



ISSN:2588-7033



Studying the Military Policies and War Tactics of the Almohads during the Period of Abu Yusuf Mansour (580-595 AH/1184-1198 AD)

Mohammad Hassan Behnamfar^a*

^a Assistant Professor, Department of Islamic Teachings, Higher Education Complex of Esfarayen, North Khorasan, Iran, behnamfarb@gmail.com

KEYWORDS

Almohads,
Abu Yusuf Mansour,
Islamic Maghreb,
military policies

Received: 28 August 2022;
Accepted: 24 December 2022

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.25887033.1401.6.2.1.5

ABSTRACT

One of the influential Berber states in the Islamic Maghreb that managed to rule Maghreb and Andalusia after establishing their power in the 6th century AH was the Almohad Caliphate. The prosperity of the political system and the continuation of the authority of Almohads was formed during the period of consolidation of power through a process of planning and development by Abu Yusuf Mansour (580-595 AH /1184-1198 AD). He showed a lot of activity and extraordinary intelligence to manage this land by organizing administrative and judicial organizations, paying attention to industry and innovation in military affairs. This research, thus, concerns the study of changes in the military policies of Almohads during the period of Abu Yusuf Mansour and the review of war tactics in this period. With a descriptive-analytical approach and by emphasizing the sources of this period, this research tries to shed lights on the changes occurring in the military policies of Almohads during the time of Abu Yusuf Mansour. The findings of the research indicate that by adopting an appropriate military strategy and policy, Mansour first suppressed the internal claimants of power and then confronted the foreign enemies and brought the Almohad government to the peak of power.

* Corresponding author.

E-mail address: behnamfarb@gmail.com

2022 Published by Arak University Press. All rights reserved.





بررسی سیاست‌های نظامی و تدابیر جنگی دولت موحدون در دوره ابویوسف منصور (۵۸۰- ۵۹۵هـ/۱۱۸۴-۱۱۹۸م)

محمدحسن بهنام‌فر^{الف}

الف استادیار، عضو هیئت علمی مجتمع آموزش عالی اسفراین، گروه معارف اسلامی، اسفراین، خراسان شمالی، ایران، behnamfarb@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
موحدون، ابویوسف منصور، مغرب اسلامی، سیاست‌های نظامی	یکی از دولت‌های تاثیرگذار بربر در مغرب اسلامی موحدون بودند که موفق شدند پس از تثبیت قدرت در قرن ششم هجری بر مغرب و اندلس حاکمیت یابند. شکوفایی نظام سیاسی و استمرار اقتدار موحدون، در دوران تثبیت قدرت طی فرایندی از برنامه‌ریزی، توسعه و تدابیری شکل گرفت که ابویوسف منصور (۵۸۰-۵۹۵هـ/۱۱۸۴-۱۱۹۸م) نقش مهمی در آن ایفا نمود. او برای اداره این سرزمین با مدیریت و ساماندهی تشکیلات اداری و دیوانی، توجه به صنعت و نوآوری در امور نظامی، فعالیت بسیار و هوش فوق العاده‌ای از خود نشان داد. براین اساس آنچه از منظر این پژوهش اهمیت دارد؛ تغییرات سیاست‌های نظامی موحدون در دوره ابویوسف منصور و بررسی تاکتیک‌ها و تدابیر جنگی در این دوره است. این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تاکید بر منابع این دوره تلاش دارد به این پرسش پاسخ دهد که سیاست‌های نظامی موحدون در دوران ابویوسف منصور و پس از استقرار قدرت سیاسی، دچار چه تحولاتی گشت؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از آنجا که دولت موحدون در دوران خلافت منصور با مدعیان داخلی و مشکلات خارجی مواجه گشت، براین اساس خلیفه منصور موفق شد با اتخاذ تدابیر نظامی و سیاست‌های مناسب ابتدا مدعیان داخلی را سرکوب و سپس با دشمنان خارجی مقابله و دولت موحدون را به اوج قدرت برساند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳	
مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

موحدون (۵۱۵-۵۶۷ق/۱۱۲۲-۱۲۶۹م) به عنوان یکی از دولتهای بربر مغرب در قرن ششم هجری نقشی تاثیرگذار در تحولات سیاسی جهان اسلام مخصوصا در تقابل با مسیحیان داشته‌اند. آنها با طرح گفتمان جدیدی که تاکید بر اندیشه مهدویت و استمداد از سنت‌های قبیله‌ای داشت، موفق شدند در مغرب و اندلس حاکمیت یابند. اگر دوره موحدون را به دو دوره نهضت و نظام تقسیم کنیم، بدون شک، شکوفایی نظام سیاسی و استمرار اقتدار موحدون در دوره دوم، طی فرایندی از برنامه‌ریزی، توسعه و تدابیر امرای این دولت شکل گرفت. دوره نهضت که هسته اولیه جنبش موحدون به وجود آمد، شامل تلاشهای ابن تومرت (۵۱۵-۵۲۴ق/۱۱۲۱-۱۱۳۰م) برای ساماندهی جنبش، ادعای مهدویت، مبارزه با دولت موابطون (۴۳۱-۵۴۲ق/۱۰۴۰م - ۱۱۴۷م) و همراهی قبایل مختلف بربر محسوب گشت که تا روی کار آمدن عبدالمومن بن علی (۵۲۴-۵۵۸هـ/۱۱۳۰-۱۱۶۳م) ادامه یافت. جنبش موحدون پس از ابن تومرت ضرورت داشت که تبدیل به نظام سیاسی منسجمی شود و این دگرذیسی ساختار جنبش موحدون به نظام

حکومتی، بزرگترین و مهمترین اقدامی بود که ابویوسف یعقوب منصور (۵۸۰-۵۹۵هـ/۱۱۸۴-۱۱۹۸م) موفق به انجام آن شد. ابویوسف یعقوب بن یوسف بن عبدالمومن ملقب به منصور بالله از مهمترین و قدرتمندترین خلفای موحدی محسوب می‌شود. او مدتی ولیعهد حکومت در روزگار پدرش بود و به خوبی به مسائل اشرافیت پیدا کرده و به احوال کارگزاران، فرماندران، قضات و مردم آگاهی داشت. منصور از ابتدای خلافت، همواره به دنبال نظم سیاسی، امنیت و آبادانی راه‌ها و ایجاد آرامش در سرزمین اسلامی بود (حسن، ۱۹۸۰: ۲۶۹). پس از استقرار در مراکش مرزها را مشخص و کشور را مستحکم ساخت و در افریقای، مغرب و اندلس، مساجد و مدارس بنیان نهاد که نمونه‌هایی از آن در شهر فاس گزارش شده است (ابن فضل الله، ۱۴۲۳: ۴/۱۸۴). برای بیماران و مجانین، مراکز نگهداری و پناهگاه ساخت، در بیابان چاه‌هایی برای آب حفر کرد و خانه‌هایی در سوس اقصی احداث نمود. منصور قدرت نظامی و سیاسی سترگی را که از موحدون به ارث برده بود، متحول کرد و دامنه‌های سرزمین را از اندلس تا وادی درعة (Draa River) در جنوب مغرب و اقیانوس اطلس تا حوزه‌های طرابلس (Tripoli) و مدیترانه گستراند. دولت موحدون در این زمان به بهترین دوران خود رسید. تا آنجا که این دوران به عصر طلایی موحدون مشهور شده است (صلابی، [بی تا]: ۱۶۶). با بررسی منابع چنین به نظر می‌رسد دگرذیسی موحدون در دوره منصور با استقرار قدرت سیاسی، از مرحله نهضت به نظام رقم خورده و با تدابیر و برنامه‌ریزی منظم، اقتدار خود را تثبیت کردند. این امر با اتخاذ تصمیم‌گیری‌های مهم و تدابیر جنگی در تقابل با مدعیان داخلی و دشمنان خارجی رقم خورد که ابویوسف منصور موفق به آن گشت. براین اساس، مسئله اصلی آن است که سیاست‌های نظامی موحدون در دوران شکوفایی و پس از استقرار قدرت سیاسی، دچار چه تحولاتی گشت؟ و همچنین منصور موحدی به عنوان یکی از خلفای اسلامی در مغرب چه برنامه‌هایی برای استقرار قدرت سیاسی و تقابل با مسیحیان در اندلس اتخاذ کرد؟

پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع پژوهش و دوره منصور موحدی به زبان فارسی تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. بخشی از آثار که به تاریخ مغرب اسلامی پرداخته‌اند، در میانه مطالب، تنها به حوادث مهم دوره منصور اکتفا کرده و به طور خاص به تحولات و چالش‌های آن پرداخته‌اند. از آن جمله می‌توان به عبدالله ناصری طاهری (۱۳۸۸: ۹۰-۹۳) و عباس برومند اعلم (۱۴۰۰: ۱۳۵-۱۳۹) اشاره کرد. همچنین جلد دوم اثر حسین مونس که به فارسی ترجمه شده، در بخش موحدون، به تمجید منصور پرداخته و وقایع دوران او را شرح داده است (مونس، ۱۳۸۴: ۲/۳۳۲-۳۴۱). در اثر محمدعبدالله عنان مطالب ارزشمندی از روند استقرار قدرت و تحولات دولت موحدون در دوره منصور دیده می‌شود و مطالبی در خصوص تحولات نیروهای نظامی آنها دارد (عنان، ۱۳۶۹: ۴/۱۰۷-۱۸۶). یکی از معدود کتاب‌هایی که به فارسی ترجمه شده و به موضوع موحدون پرداخته، اثر عزالدین عمر موسی «دولت موحدون در غرب جهان اسلام؛ تشکیلات و سازمان‌ها» است که اشاراتی به تحولات مختلف دوره منصور دارد (عمر موسی، ۱۳۸۱: ۱۹۵-۲۶۲). علی‌رغم اینکه تحقیقات فارسی بیشتر بر دوره اول موحدون یعنی نهضت و ابن‌تومرت تمرکز یافته اما در میان تحقیقات دیگران در دوران نظام و تثبیت قدرت موحدون آثار و تحقیقات ارزشمندی می‌توان مشاهده کرد: رساله دکتری لیلی احمد نجار با عنوان: «المغرب والأندلس في عصر المنصور الموحدی دراسة تاريخية و حضارية (۵۸۰-۵۹۵هـ/۱۱۸۴-۱۱۹۸م)» توسط دانشگاه ام‌القری در مکه مکرمه به صورت کتاب سال ۱۴۰۹/۱۹۸۹ آماده شده و فایل پی‌دی‌اف آن مورد استفاده قرار گرفت. شوقی ابوخلیل کتابی با عنوان «الارک بقیاده یعقوب منصور الموحدی» در خصوص نبرد با مسیحیان دارد که توسط

دارالفکر در دمشق سال ۱۴۱۳/۱۹۹۳ م به زیور طبع آراسته شده است. این پژوهش بر مبنای منابع و تحقیقات، تحولات نظامی و سیاسی موحدون در دوران منصور را مورد واکاوی قرار داده و روند استقرار قدرت سیاسی و شکل‌گیری دوران شکوفایی این دولت اسلامی در غرب جهان اسلام را بررسی کرده است.

سازمان و تشکیلات نظامی موحدون

ارتش موحدون به عنوان یک گروه نظامی ایدئولوژیک شناخته می‌شد و برای شهادت می‌جنگیدند. برهمن اساس ابن‌تومرت عنوان «موحدون» را برای پیروان خود برگزید. از آنجا که جنبش موحدون، جنبه دینی داشت، فضای حاکم بر نبردهای موحدون نیز متأثر از آن بوده است. مخصوصاً در نبردهایی که مهدی حضور داشت با مناسک و مراسمی نیز همراه بود (Lévi-Provençal, 1928: 116-117). موحدون در فنون نظامی و روشهای نبرد از ابتدای نهضت انقلابی خود بر رقیبان برتری داشتند. این توانایی و آشنایی با فنون دفاعی و محاصره، در انتخاب کوه درین (Atlas Mountains) که گردنه صعب العبور تیزی-تست (Tizi-n-Test) از آن می‌گذشت، به عنوان مرکز و پایگاه اولیه نهضت آنان به خوبی نمایان است؛ زیرا هم به لحاظ استحکام دفاعی و هم استراتژی نظامی بسیار اهمیت داشت. آنان دشمنان خود را به آن منطقه می‌کشاندند و با توجه به ایجاد قلعه‌ها و کندن خندق، غافلگیر کرده و شکست می‌دادند (حلل الموشیه، ۱۹۷۹: ۹۲؛ ابن قطان، ۱۹۹۰: ۹۵) قبایل موحدی آگاهی زیاد و آشنایی به کوهستان داشتند و این یک مزیت بود (Fromherz: 2010: 65). روحیه مقاومت و دفاع در دوره نظام نیز حفظ شد و موحدون با توجه به اطلاعاتی که از مناطق کسب می‌کردند، سیاستهای نظامی خود را برنامه‌ریزی می‌نمودند. مشورت کردن با فرماندهان و یاران خود در هر منطقه صورت می‌گرفت؛ درباره چگونگی حرکت و زمان حرکت، چگونگی عقب نشینی و یا در صورت پیروزی، شروطی که بر دشمن تحمیل شود (ابن قطان، ۱۹۹۰: ۱۳۸؛ ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۴۶-۱۴۷). تشکیلات نظامی از مهمترین ارکان و ساختارهای دولت موحدون هم در دوره نهضت یعنی در زمان ابن‌تومرت و هم در دوره نظام، دوره منصور محسوب می‌شد. اما با توجه به تفاوت این دو دوره با هم تغییراتی نیز در ساختار و تشکیلات نظامی شاهد هستیم. ساماندهی نظامی یکی از ویژگیهای اساسی موحدون به شمار می‌آید که پیروزی آنها و حفظ دولت را برای مدت طولانی تسهیل کرد. در دوره نهضت، عنصر اصلی ارتش موحدون مهدی و مفهوم توحید بود که بدنه اصلی ارتش موحدون را قبایل «مَصْمُودَة» (Masmuda) که اولین حامیان جنبش و به تعبیر مراکشی، «قبایل موحدون» (مراکشی، ۱۳۹۰: ۲۲۸) شامل می‌شد. این مجموعه از قبایل هرغه، ۲ کدمیوه (Gadmiva)، کنفیسه (Ganfisa)، قبایل اهل تینمل (Tinmel) ۳ و هِنَاتَة (Hintata) بودند (بیدق، ۱۹۸۰: ۳۷-۴۰). در دوره نظام، ارتش موحدون بسیار بزرگ و منظم‌تر از قبل شده بود. علاوه بر قبایل مصمودی، از قبایلهای دیگر و همچنین پس از پیروزی بر مرابطون، زناتیان (Zenata) نیز به سپاه موحدون ملحق شدند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۲۲۹). تجهیزات در دوره نهضت، بسیار اندک و ناچیز بود اما با گسترش قلمرو در دوره

۱. رشته‌کوهی در شمال غربی آفریقا. کوههای اطلس با جهت جنوب غربی - شمال شرقی، به طول ۲۰۰۰ کیلومتر از آقادیر (بندری در مراکش) در جنوب غربی تا شهر تونس (پایتخت تونس) در شمال شرقی کشیده شده‌اند. اصل و ریشه نام اطلس به درستی معلوم نیست. این نام در میان یونانیان رواج داشته است و اغلب نویسندگان قدیمی به آن اشاره کرده‌اند. جغرافی‌نویسان مسلمان از این رشته‌کوه با نام درین یاد کرده‌اند (ابوالفداء، ۱۸۴۰: ۶۵).

۲. ارغان یا هرغان که عربی شده آن به صورت هرغا و گاهی هم هرغه می‌آید (حسین مونس، ۱۳۸۴: ۲/۲۸۷).

۳. تینمَل (یا تینمَلَل): کوه و شهری در فلاتی واقع در رشته کوههای اطلس مرتفع در مغرب که فاصله آن تا شهر مراکش سه فرسخ است و ساکنان آن بربرند. (یاقوت حموی، ۱۹۵۷: ۲/۶۹ ذیل تینمَل) که امروز روستای کوچکی است بر سر راهی که به سمت گردنه تیزی-تست می‌رود، قرار دارد و این شهر مهمترین مرکز و پایگاهی برای توسعه موحدون بوده است. تینمَل در زبان بربری به معنای زمینهای پلکانی کشاورزی در نواحی کوهستانی است، هرچند که در باره ریشه آن نظریات دیگری نیز مطرح شده است. تینمَل که با قلال مرتفع احاطه شده و راههای دسترسی به آن شیب تند دارند، تقریباً تسخیرناپذیر است.

نظام، استفاده از پادگانها، درفشها، سلاحها و لباس نظامی بر اعتبار ارتش می‌افزود. رباط «سلا» (Salé) مرکز تجمع سربازان موحدون پیش از حرکت به مقصد اصلی بوده است. این رباط دارای حمام، مسافرخانه، منازل فراوان و خدمات دیگر بود (الاستبصار، ۱۹۸۵: ۱۴۰-۱۴۱) همچنین به منظور رسیدگی به امور نظامیان و مسائل مالی، دیوانی توسط خلفا ایجاد شد (ابن صلاه، ۱۹۶۴: ۵۳). بخش مهم و تاثیرگذار دیگر نیروهای نظامی موحدون، و به طور خاص در دوره نظام، ناوگان دریایی بود. ناوگان دریایی موحدون نقشی اساسی در حفظ امنیت تجارت، سفر و حج در مدیترانه و از همه مهمتر تقابل با مسیحیان در اندلس داشت.

۱. جنگ‌های دوره ابویوسف

دولت موحدون در آستانه حاکمیت ابویوسف مواجهه با مسائل متعدد داخلی و خارجی گشت. خلیفه به خوبی می‌دانست برای استقرار قدرت و حاکمیت خود ابتدا باید شرایط داخلی سرزمین را به ثبات برساند. با توجه به گسترده‌گی حکومت موحدون در مغرب و اندلس، کار برای منصور سخت شده بود، بدین منظور او با برنامه‌ریزی دقیق و تدابیر سیاسی- نظامی حاکمیت خویش را تثبیت و دولت موحدون را به اوج رساند. منصور در دین و سیاست مردی دانا و صاحب اندیشه (ناصری سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۹۸/۲) بود. او ابتدا به مقابله با شورشیان و مدعیان سیاسی پرداخت.

۱-۱: رفع شورش بنوغانیه: اولین اقدامی که منصور یعقوب بن یوسف انجام داد، مقابله با بنی‌غانیه در سال ۵۸۳هـ بود (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳۲۸/۶؛ ابن الاثیر، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۶). علی بن غانیه که از وابستگان و بازماندگان مرابطون محسوب می‌شد، جزایر شرقی اندلس، میورقه (Mayūrqa)، منورقه (Menorca) و یابسه (Ibiza) را در تصرف داشت (Terasse, 1952: 72؛ عنان، ۱۳۶۹: ۱۱۸/۴-۱۲۴). او همچنین به نام عباسیان خطبه خواند و به شیوه مرابطون امیرالمسلمین لقب یافت (ابن الاثیر، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۶) از طرفی حضور دولت ایوبی مصر در طرابلس غربی باعث مراودات سیاسی با بنوغانیه شد و افریقیه در معرض تجزیه از پیکر دولت موحدون قرار گرفت (صحراوی، ۱۹۶۱: ۱۰۱). بدین منظور ابویوسف ابتدا بخشی از نیروهای ویژه و کارگزاران باتجربه خود را به مغرب میانه و افریقیه فرستاد تا اتحاد احتمالی سه جانبه بنی‌غانیه، قبایل عرب و طرفداران قراقوش (سردار ایوبی) را از بین ببرد. منصور نیروهایش را در مناطق مختلف تقویت کرد و به سران قبایل و حاکمان محلی وعده عفو و احسان داد تا از هرگونه اقدامی جلوگیری کرده باشد (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۱۴۳). تقابل با بنوغانیه و متحدانش از چند جنبه برای منصور اهمیت داشت؛ ابتدا اینکه او در آغاز خلافت و ساختاربندی دولت قرار داشت، از این رو به خطر این شورش پی برد و تمام تلاش خود را برای سرکوبی آن به کار گرفت که به رقبای دیگر قدرت خود را نشان دهد. نکته دیگر به گفتمان بنوغانیه برمی‌گردد؛ از آنجا که آنها به دنبال تجدید دولت مرابطی و حتی به نام خلفای عباسی دعوت کرده بودند، حرکت آنها جنبه سیاسی نیز به خود گرفته و از بین بردن آن برای منصور که داعیه‌دار گفتمان موحدون بود، بسیار ضروری به نظر می‌رسید. مسئله اتحاد با قبایل عرب و همراهی با ایوبیان نیز موحدون را در خطر جدی قرار می‌داد، این کاملاً مشخص بود که جریان فکری موحدون در تقابل با خلافت عباسی بغداد، مرابطون و دولت ایوبیان مصر قرار داشت. براین اساس کنار زدن بنوغانیه به یک معنا برای خلیفه منصور، استقلال فکری و سیاسی از خلافت عباسی، از بین بردن تلاش‌های مذبحخانه مرابطون و قدرت‌نمایی برای ایوبیان به همراه داشت. غائله علی بن غانیه با وجود حمایت بهاءالدین قراقوش (ابن الاثیر، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۶) و همراهی گروهی از قبایل عرب (مؤنس، ۲۰۰۴: ۲۲۷)، راه به جایی نبرد و یعقوب منصور

^۱ یکی از شهرهای کشور مراکش که در دهانه رود ابی‌رقراق و در کرانه اقیانوس اطلس واقع شده است.

موفق شد آنها را در سال ۵۸۴هـ/ ۱۱۸۷م شکست و منهدم کند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۹۰-۱۹۳).

۲-۱: **سرکوب جزیری:** از جمله افرادی که به نشر اکاذیب و اندیشه‌های گمراه کننده در زمان منصور مبادرت ورزید، شخصی به نام جزیری بود. او به طلب علم تظاهر می کرد و به نوعی خاص به «حفظ متشابهات» مشغول بود. او در میان عوام جایگاهی کسب کرد (عنان، ۱۳۶۹: ۴/ ۱۴۰) برخی از منابع اشاره به دانش و علم او داشته که از اهالی جزیره خضراء بوده و از انواع علوم بهره کافی داشت و از اینکه دولت موحدون از تعالیم محمدبن تومرت منحرف شده، زبان به انتقاد گشوده و می خواست آیین مهدی را از نو زنده کند (ابن سعید، ۲۰۱۵: ۱/ ۳۴). جزیری پس از جنگ و گریز فراوان در سال ۵۸۶ق / ۱۱۹۰م در مرسیه دستگیر و سپس اعدام شد (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۲۰۸).

۳-۱: **قتل الاشل:** شخصی عجیب و غریب که لباسهای مجلل و عمامه سبز داشت در سال ۵۸۹هـ در سرزمین زاب خروج کرد و مردم را علیه موحدون شوراند. او ادعای نبوت می کرد و اعراب بسیاری دور خود جمع و ناآرامی در منطقه زاب و اطراف آن شکل گرفت. در آن هنگام، منصور به ابوزکریا، والی بجاایه (Béjaïa) ۲، دستور داد تا به آن جریان خاتمه دهد، پس به جستجوی او پرداخت و توانست او را تطمیع کرده و به قتل برساند. اعراب همراه او نیز به خواری و ذلت افتادند (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۱۸۹-۱۹۱).

۴-۱: **مدعیان خانوادگی:** از دیگر چالش‌های جدی منصور در روند استقرار قدرت سیاسی، مخالفان و مدعیانی بود که در ساختار خانوادگی شکل گرفت و آنها نیز ادعای خلافت در سر می پروراندند. ابوحنفص عمر برادر منصور و عموی سلیمان بن عبدالمومن در راس این جریان قرار داشتند (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۶/ ۳۲۸). آنها از فرصتی که منصور به شرق برای سرکوبی ابن غانیه رفته بود، سود جسته و علیه او قیام کردند. یکی از آنها شرق اندلس در شهر مرسیه (Murcia) و دیگری در شهر تادلا (Tadla) در سرزمین صنهاجه سر به شورش برداشتند. علی رغم تلاشهایی که داشتند آنها به نتیجه نرسیده و تنها ناآرامی و هرج و مرج شهرها را به دنبال داشت. خلیفه ابویوسف به مقابله با آنها شتافت و آنها را دستگیر کرد (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). از دیگر مدعیان، برادر منصور ابویحیی بود که در سال ۵۸۵هـ زمانیکه شایع شده بود منصور بر اثر بیماری در اندلس از دنیا رفته است، برای خود بیعت گرفت. خلیفه منصور پس از بهبودی به تقابل با او پرداخت و او را دستگیر کرد و به او گفت: تو را خواهم کشت زیرا گفته اند: «هرگاه با دو خلیفه در سرزمین واحد مواجه شدید یکی از آن دو را بکشید». و دستور قتل او را صادر کرد (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۹۱). همچنین منصور بقیه خویشاوندان را نیز در شرایطی قرار داد که از هرگونه اقدامی جلوگیری کرده باشد. او به بستگان خود دستور داد از پوشیدن لباسهای مشابه سلطان منع بشوند (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۱۸۹). منصور این کار را برای قطع آشوب و ریشه کن کردن حریصان انجام داد تا اینکه امنیت و ثبات در سراسر خلافت او تثبیت شد. در مجازات کسی که امنیت کشور را دستکاری می کرد، جایی برای مماشات نداشت، حتی اگر از خانواده و بستگانش باشد.

۵-۱: **جهاد در اندلس و نبرد الأزرک^۳ (Battle of Alarcos):** خلیفه ابویوسف پس از استقرار قدرت و رفع بحران‌های داخلی، فرصت آن را یافت تا به اندلس روی آورد. موحدون برای تسلط بر اندلس با دو سیاست موازی پیش رفتند: ۱) از میان بردن مرابطون و تسلط بر مناطق تحت سلطه آنها ۲) مقابله با مسیحیان و تداوم گفتمان جهاد. موحدون از آنجا که گفتمان جدیدی مطرح کرده

۱. سرزمینی کهن در شمال شرقی الجزایر که از قابس در جنوب تونس کنونی تا حوالی شهر بسکره در شمال شرقی الجزایر امتداد داشت.

۲. شهری که در الجزایر امروزی قرار دارد.

۳. دشتی در مرج الحدید، در شمال قرطبه نزدیک دژ ریاح بود و به آن نام دژ آلاک اطلاق می شد (حمیری، ۱۹۸۰: ۴۶۹).

بودند، در مرحله اول به اندلس توجهی نکرده و پس از تثبیت قدرت و در دوران شکوفایی به آنجا روی آوردند. این امر باعث گشت بار دیگر شرایط در اندلس دچار آشفتگی و هرج و مرج شود. ضعف حکومت مرابطون منجر به قدرتگیری دولتهای مسیحی (Kennedy, 1996: 202) سردرگمی مسلمانان و ظهور گروههای سیاسی متعدد در اندلس گشت. در این شرایط برخی از امرای ملوک الطوائف اندلس از خلیفه موحدون تقاضای کمک کردند (Huici Miranda, 1956: 330-333).

ابویوسف منصور به خوبی می‌دانست که حضور در اندلس به موقعیت او در مغرب بستگی دارد و نمی‌توانست قبل از اطمینان امنیت کامل مغرب وارد مبارزه طولانی در اندلس شود. اینک که امنیت کامل مغرب را به دست آورده بود، تمام قدرت و نیروی خود را به اندلس برد. اولین اقدام منصور به مسیحیان اندلس در سال ۵۸۵هـ رخ داد، چرا که وقتی او مشغول سروسامان دادن به اوضاع افریقیه بود، نیروهای قشتاله (Castile or Castille) بخش اعظم غرب اندلس را تصرف کردند (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۱۷۰/۳) ناوگان عظیم صلیبی متشکل از نیروهای مسیحیان به رهبری سانچوی اول (Sancho I) (شاه پرتغال) به آبهای غرب اسپانیا وارد شدند و شَلَب (Silves) را گرفتند اما در سال ۵۸۷هـ ابویوسف شهر شَلَب را از مسیحیان پس گرفت و به مراکش بازگشت (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۹۲) با وجود توافقات متعددی بین طرفین، اما آلفونسو پیوسته به دنبال پس گرفتن قدرت و جمع آوری نیرو برای جنگ با موحدون بود. مشکل اصلی نیز به طمع مسیحیان به زمین‌های مسلمانان اندلس برمی‌گشت. منصور سپاهیان را از شهرهای بزرگ فراخواند و در بیرون شهر مراکش اردو زد. لشکر او در ۵۹۱هـ شامل قبایل عرب، زُناتة، مَصمودة، غِمارة، داوطلبان قبایل مغربی، تیراندازان و بردگان در مسیر اندلس منطقه آلاک مستقر شدند (همان: ۱۹۳). سلسله نبردهایی بین آنها و نیروهای مسیحی شامل شاه قشتاله، آلفونسو هشتم، شاه پرتغال، و قدرت‌های دیگر مسیحی صورت گرفت (سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۵۴/۲) ابویوسف یعقوب منصور خود در راس سپاه موحدون قرار داشت و با رشادت فراوان جنگ به نفع مسلمانان به پایان رسید و به ائتلاف مسیحی شکست سختی وارد آمد (ابن خطیب، ۱۹۵۶: ۲۶۹) مسلمانان قلعه را محاصره کردند و به سختی به آن وارد شده و دروازه‌های آن را آتش زدند. اما پادشاه الفونسو (Alfonso) را نیافتند، زیرا او از دری مخفی با تعداد سی نفر از فرماندهانش گریخته بود. به دنبال این پیروزی مسلمانان به غنایم بسیاری دست یافتند (أشتر، [بی‌تا]: ۷۳). آلفونسو در بدترین حالت به طَلِيْطَلَة (toledo) بازگشت، پس سر خود را تراشید، صلیب خود را پایین انداخت و بر الاغی سوار شد و سوگند یاد کرد که تا مسیحیت پیروز نشود، سوار بر اسب و قاطر نخواهد شد. بدین منظور مردم را جمع کرد و این خبر به یعقوب رسید، پس او نیز در جهت تدارک نیروهای جدید برآمد. پس در ربیع الاول ۵۹۲ ق / ۱۱۹۶ م بار دیگر نبرد صورت گرفت و اینبار نیز مسیحیان شکست خوردند (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۲۳۸/۱۰). منصور به دنبال او تا طَلِيْطَلَة رفت و تلاش برای تصرف آنجا داشت. اما به اصرار زنان و مردم شهر، منصور آنجا را رها کرد (مقری تلمسانی، ۱۹۶۸: ۴۹۹/۱) و به قُرْبَة (Córdoba) بازگشت. به دنبال آن پادشاهان مسیحی درخواست صلح کردند (سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۵۷/۲) بنابراین ده سال (۵۹۴هـ - ۶۰۴هـ) بین آنها صلح برقرار گشت.

در جریان نبرد آلاک، جدا از اینکه تابوی شکست ناپذیری مسیحیان فرو ریخت، تعداد زیادی کشته و افراد بی‌شماری از آنها به اسارت درآمد (سرجانی، ۲۰۱۱: ۵۹۶/۱) مسلمانان بر شکوه و جلالشان افزوده شد و به دنبال پیروزی در این نبرد بود که غنایم بیشماری به دست آوردند؛ به گزارش منابع حدود هشتاد هزار اسب و صد هزار قاطر و خیمه‌های بی‌شمار رسید (مقری، ۱۹۶۸: ۱/۴۹۳). از دیگر نتایج نبرد آلاک وقوع اختلافات و درگیری‌های متعددی بود که بین قشتاله و لئون (León) رخ داد، چرا که آلفونسو هشتم آنها را مقصر شکست می‌دانست (سرجانی، ۲۰۱۱: ۵۹۶). ابویوسف یعقوب بعد از مدتی که در اندلس مستقر شد و اقدامات

عمرانی ماندگاری انجام داد، تصمیم گرفت به مراکش بازگردد، البته بیماری نیز بر او چیره گشته و سرانجام در سال ۵۹۵ درگذشت (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

۲. سیاست‌ها و تاکتیک‌های نظامی منصور

ابویوسف منصور از محدود موحدونی بود که توانستند سپاهیان خود را درست و استوار فرماندهی کنند. او همچنین از ایمانی نیرومند برخوردار بود و این ایمان او به افراد تحت فرمانش نیز انتقال یافت و ارتش موحدون در زمان او به یک نیروی ضربتی بزرگ تبدیل شد. این ارتش ترکیبی از بهترین قبایل مغرب، شمار زیادی از عرب‌های هلالی و نیروهای قدرتمند و ماهر اندلسی بود. ابویوسف با اتکاء به همین نیروها و اتخاذ سیاست‌های نظامی مناسب به تقابل دشمنان و مدعیان می‌رفت.

۱-۲: **تعامل، تسامح و ارتباط سازنده:** اقتدار منصور در نحوه تعامل با دشمنان و مخالفانش مشخص می‌گشت و همیشه خصمانه نبود. او گاه با عقلانیت، تسامح و نرمی رفتار می‌کرد تا صفوف نیروهای خود را متحد کند. بدین منظور ابی‌العباس احمد بن حنون اشبیلی (ابن سعید، ۲۰۱۵: ۱/ ۲۴۹) که در زمان یوسف بن عبدالمومن در شهر اشبیلیه (Seville) عصیان کرده بود را بخشید (مقری، ۱۴۱۷: ۳/ ۲۰۶). همچنین در تقابل با انقلابیون بنی‌غانیه و استرداد شهر قفصه (Gafsa)، خلیفه منصور خود را به تونس رساند (حمیری، ۱۹۸۰: ۲۰۱). در آنجا ترکانی از انقلابیون بنی‌غانیه، نزد خلیفه آمده و تقاضای بخشش کردند (الاستبصار، ۱۹۸۵: ۱/ ۱۵۱). خلیفه منصور به آنها امان داد و آنها را به خاطر شجاعتشان به مرزها برد و در امور جهاد به کار گرفت (عینی، ۱۴۳۱: ۲/ ۸۷). به دنبال آن یکی از سرداران ترک معروف به ابوزیان (بروفنسال، ۱۹۴۱: ۱۹۸) همراه با خلیفه جهت سرکوبی اعراب متمرکز آفریقا حضور یافت و آنان را آرام کرد، گروهی از آنان تسلیم شده و به مغرب اقصی تبعید شدند (ناصری سلاوی، ۱۹۵۴: ۲/ ۱۶۲). این امر به خاطر آن بود که بیشتر تحت نظر بوده (حسن، ۱۹۸۰: ۳۱۴) و در صورت حضور در اندلس، از پشت مورد هجوم قرار نگیرند. منصور در سال ۵۸۳هـ از ترکان غز که از مصر به مغرب آمده بودند، به خوبی استقبال و آنها را احترام گذاشت (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۲۳۲). تا آنجا که آنها را کنار موحدون جایگاه شهروندی داد. بنا به گزارش مراکشی، به آنها توجه نمود و در مناطق خوبی اقطاع داد؛ از جمله این افراد احمدحاجب و شعبان بودند (مراکشی، ۱۳۹۰: ۱۹۶). موحدون با تدبیر و سیاست خلیفه منصور در سال ۵۸۷ق حاکمیت خود را در سرزمین صحرا از جمله طرابلس، غانه و کوکو تثبیت کردند (الاستبصار، ۱۹۸۵: ۱/ ۱۱۱).

۲-۲: **تقویت گفتمان جهاد:** گفتمان جهاد هم در دوره مرابطون و هم در دوره موحدون در تقابل با مسیحیان اندلس از جمله گفتمان‌های مطرح و تاثیرگذار بوده است. در این میان علما با تقویت مفهوم جهاد نقش بسیار کلیدی و بارز داشتند. آنها همچنین همه تلاش و وقت خود را صرف بسیج جامعه مسلمانان اندلس برای جهاد با مسیحیان گذاشتند. سپاه منصور متشکل از صالحان و علمایی بود که در فتوحات موحدون علیه مسیحیان اندلس شرکت داشتند (أبو الخیل، ۱۹۱۴: ۲۹۵). ایجاد مفهوم «جهاد» و متحد کردن امرای منطقه مناسب‌ترین روش برای دفاع در برابر پیشروی مسیحیان بود. مسئله جهاد هم در فقه اسلامی جایگاهی داشت و هم توجه مناسبی برای ایجاد مشروعیت سیاسی آنها در اندلس می‌گشت.

۳-۲: **بسیج مردم برای شرکت در جهاد:** از جمله تبحر و توانایی نظامی منصور در بسیج مردم برای شرکت در نبرد و مقابله با دشمنان بود. منصور از جمله خلفایی بود که همواره بر بسیج داوطلبانه مردم تاکید داشت (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۳/ ۱۷۴) در سال ۵۸۶هـ چون خبر رسید که فرانک‌ها بر شهر شلب تسلط یافته‌اند، ابویوسف یعقوب مردم را به جهاد فراخواند (سلاوی، ۱۹۵۴: ۲/ ۱۱۱).

۱۸۴) خلیفه دستور داد اسلحه و آذوقه تهیه کنند و در رباط فتح در شهر سلا اردو بزنند تا جمعیت کامل شده و قبایل جمع شوند، سپس به قُربطه رفت و پرچم‌ها و نمادها را در مجموعه جامع قُربطه به پاداشت (حمیری، ۱۹۸۰: ۳۴۲). یکی دیگر از بهترین نمونه‌های بسیج نیروها و ساماندهی ارتش بعد از شکست آلفونسو در نبرد آلازک رقم خورد، جایی که مسلمانان پیروز شده و در شور و شعف پیروزی به سر می‌بردند. خلیفه موحدی اما به تدارک و آماده‌سازی نیروهای نظامی پرداخت و به سرعت خود را برای تقابلی دیگر آماده کرد. او به مراکش و جاهای دیگر پیام فرستاد تا مردم را بسیج کند، از این رو انبوهی از داوطلبان و نیروهای کمکی به سوی او آمدند (سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۹۲/۲) و از هرگونه اقدام تلافی جویانه‌ای جلوگیری کرد. منصور همچنین برای نیروهای نظامی سرداران شایسته و افراد برجسته، شجاع، متخصص و کارداران همچون: ابومحمد بن ابی اسحاق، ابوالعباس صقلی، ابی محمد عطش کومی و ابایوسف یعقوب بن ابی حفص بن عبدالمومن (زرکشی، ۱۳۸۶: ۱۶) انتخاب می‌کرد.

۲-۴: **تامین منابع ارتش:** یکی از عوامل شکست در نبردها، فرسودگی و خستگی لشکریان و کمبود آذوقه آنها بوده است. منصور به خوبی به این موضوع آشنا بود و با تصمیماتی که قبل از نبرد می‌گرفت شرایط را هرچه بهتر، آماده می‌کرد. منصور قبل از هر اقدام نظامی، تدابیر و برنامه‌هایی داشت که تا حدودی او را در لشکرکشی‌ها کمک می‌کرد: از جمله آن، زمینه‌سازی برای اعزام نیروهای نظامی به هر منطقه بود. هنگامی که منصور در سال ۵۸۲ هـ به قفصة (Gafsa) رفت تا آن را از شورشیان بازپس گیرد، به همه کارگزاران تاکید کرد که برای عبور لشکریان، راه‌ها را تعمیر، جاده‌ها را هموار و مرتب و پل‌ها را برپا کنند (عمر موسی، ۱۳۸۱: ۲۲۵). همچنین به آنها دستور داد که جیره و خوراک حیوانات ارتش را تهیه کنند تا مردم با خیال راحت در بهترین حالت در لشکر قدم بردارند و در طول مسیر استراحتگاه‌هایی برای لشکریان ایجاد کنند (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۱۸۵/۳). چنانچه در شهر فاس در تونس و قیروان برای استراحت لشکریان، ترمیم سلاحهای جنگی (همان، ۱۸۶) و تهیه مایحتاج (سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۶۰/۲) اردو زدند. چون منصور در سال ۵۸۶ هـ برای بازپس گیری شَلْب (Silves) رفت، به قصر مضموده وارد شد و در آنجا برای استراحت اردو زد (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳۲۹/۶) سپس مدتی نیز در طریف (حمیری، ۱۹۸۰: ۳۴۲) ماند. منصور برای آمادگی نبرد آلازک مدتی در قُربطه جهت استراحت ارتش، تدبیر و تاکتیک نبرد و آماده سازی تدارکات اردو زد و سپس به تقابل شتافت (نجار، ۱۴۰۹: ۳۸۴/۲).

۲-۵: **نفوذ در سپاه دشمن و کسب اطلاعات:** منصور به دو دلیل بر این راهبرد تکیه داشت؛ ابتدا تخمین قدرت حریف و آماده کردن ارتش و تجهیزات مورد نیاز برای مقابله با نیروی دشمن مد نظر بود. این امر در فتح قفصة روی داد؛ جایی که منصور قبل از هر اقدامی پیشتازان خود را برای تحقیق و کسب اطلاعات فرستاد، پس از آن، لشکر و تجهیزات لازم را آماده کرد و سپس موفق به فتح شد (بروفنسال، ۱۹۴۱: ۱۹۹-۲۰۱). در گام بعدی این امر به آنها کمک می‌کرد تا بتوانند قبل از رسیدن نیروهای نظامی دشمن وارد عمل شده و آنها را غافلگیر کنند. منصور در نزدیکی ورود خود به قابس (Gabès)، پیشتازانی از سواره نظام و کمانداران قبل از حرکت ارتش برای جلوگیری از فرار دشمن فرستاد (حمیری، ۱۹۸۰: ۴۱۴). همچنین در جریان عصیان جزیری و ادعای الاشل گماشتگان و پیشتازان نظامی بودند که به شکل جاسوس توانستند آنها را شناسایی و دستگیر کنند (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۱۹۲/۳، ۲۰۷، ۲۰۸). در سال ۵۸۷ هـ گروهی از نیروهای موحدی به طور مخفیانه به شهر شَلْب فرستاده شدند تا آنجا را ارزیابی کنند. آنها موفق شدند به

^۱ . در برخی منابع از اکشونه نیز برای این منطقه نام برده شده است.

راحتی شرایط را در دست گرفته و مسیحیان را شکست دهند (همان، ۲۱۲).

۶-۲: محاصره: منصور در بسیاری از رویارویی‌ها روش محاصره را در پیش می‌گرفت تا مخالفان خود را تضعیف و آنها را وادار به تسلیم کند. در سال ۵۸۳ هـ شهر قفصه را محاصره کرد که توسط ترکان شورشی تصرف شده بود (زرکشی، ۱۳۸۶: ۱۶). محاصره آنجا حدود سه ماه طول کشید و شرایط سخت شد به طوری که درختان را قطع و منطقه را ویران کردند. ترکان که طاقت نیاوردند طلب امان کرده و خواستار پایان بخشیدن به محاصره شدند، منصور نیز پذیرفت (ابن اثیر، ۱۴۱۷: ۱۳/۱۰). منصور همچنین در سال ۵۸۳ هـ به دنبال سرپیچی حامیان قراقوش و ابن غانیه، قصر عروسین را محاصره کرد. سرانجام آنها امان خواسته و از دیوارهای قلعه نزد منصور پایین آمدند (حمیری، ۱۹۸۰: ۲۰۱). همچنین در سال ۵۸۶ هـ فرانک‌ها شهر شلب را تصرف کردند. منصور ابتدا ابوزکریا را از اشبیلیه به آنجا فراخواند، و سپس خودش را از مغرب به آنجا رساند و به ابوزکریا ملحق شد (ابن عذاری، ۱۹۶۰: ۲۰۶). سپس شلب را محاصره کرده و منجنیق و ماشینهای جنگی نصب کردند (حمیری، ۱۹۸۰: ۳۴۳). منصور همچنین به سرعت همراه گروهی دیگر به محاصره قلعه طرش رفت و آنجا را فتح کرد درحالی‌که شلب نیز فتح شده بود (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۳۲۹/۶). در سال ۵۹۲ هـ منصور برای فتح شهر طلیطله خارج شد و آنجا را محاصره کرد. او هرگونه ورود و خروج را کنترل و با منجنیق به دیوارهای شهر آسیب رساند (ابن ابی زرع، ۱۴۲۰: ۲۲۹). منصور موفق شد چند قلعه از جمله وادی حجاره، مجریط، قلعه رباح، کوه سلیمان و افلیج و بسیاری از مناطق اطراف طلیطله را به تصرف درآورد (سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۹۲/۲؛ ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۲۲۹). کاملاً مشخص است که برنامه ریزی مناسب و شیوه محاصره به منصور کمک کرد تا به شهرها و قلعه‌ها دست یابد.

۷-۲: تحقیر و ایجاد رعب در دشمن: در سال ۵۸۵ هـ منصور به شهر ایشبونه (Lisbon) و اطراف آن یورش برد، برای ایجاد رعب و وحشت، همه درختان را از بین برد، محصولات و زمینهای کشاورزی را سوزاند و روستاها را به آتش کشید و سیزده هزار اسیر گرفت (سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۸۹/۲ - ۱۹۲؛ ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۲۱۸؛ ابن ابی دینار، ۱۲۸۶: ۱۱۴). همچنین در جریان فتح شهر شلب در سال ۵۸۷ هـ ۱۵۰۰۰ نفر از فرانکها، را اسیر کرد و ثروت زیادی به دست آورد (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۲۱۹) منصور در جریان پیروزی جنگ آلاک نیز، غنایم بسیاری از مسیحیان قشتاله به دست آورد. او با اسرا نوعی رفتار کرد که بیشتر جنبه خفت و خواری به خود گرفت. بر این اساس که هر اسیر قشتاله را به یک درهم، هر شمشیر به قیمت نصف آن و اسب به پنج درهم و الاغ نیز به یک درهم فروختند (مقری، ۱۹۶۸: ۴۴۳/۱). در سال ۵۹۲ هـ منصور به سوی طلیطله پیشروی کرد، آن را محاصره و با آن به شدت جنگید، درختان آن را قطع به آبادی‌های اطراف یورش برد و چندین قلعه را گشود (سلاوی، ۱۹۵۴: ۱۹۲/۲). در این مناطق زنان و کودکان را اسیر، ثروت آنها را غارت و دیوارهای آن را خراب و شهرها را آتش زد تا ویران شد (ابن ابی زرع، ۱۹۹۹: ۲۲۹). بدین ترتیب، منصور رعب و وحشت را در دل دشمنان خود قرار داد، تا آنجا که آنها از رویارویی با او هراس داشتند.

نتیجه‌گیری

موحدون از جمله دولتهای اسلامی مغرب بودند که با توجه به رویکرد مذهبی و گفتمان سیاسی در روند استقرار قدرت در مغرب و اندلس موفق شدند سیاست‌های نظامی و تدابیر جنگی مناسب اتخاذ کنند. محققان این دولت را به دو دوره نهضت که در دوره ابن تومرت و دوره نظام، دوره شکوفایی موحدون تقسیم کرده‌اند. از مهمترین خلفای تأثیرگذار دوره نظام، ابویوسف منصور بود که دولت موحدون به اوج شکوفایی و پیشرفت رسید که با هوش و تدبیر سیاسی- نظامی او رقم خورد. این دولت در آستانه حاکمیت ابویوسف مواجهه با مسائل متعدد داخلی و خارجی گشت و وی با اتخاذ سیاست‌های مناسب به خوبی توانست حاکمیت و اقتدار

خود را تثبیت و دولت موحدون را به اوج قدرت برساند. بحران‌هایی چون غائله بنوغانیه، عصیان جزیری و الاشل و همچنان رویارویی با مدعیان خانوادگی به خوبی توسط منصور مدیریت گشت و با اقتدار به رویارویی مسیحیان و جهاد در اندلس شتافت. موحدون در این دوره موفق شدند مهمترین پیروزی خود با دولتهای مسیحی اندلس در نبرد آلاک به دست آورند. تشکیلات نظامی از بهترین ارکان و ساختارهای دولت موحدون در دوران این خلیفه محسوب می‌شد. ساماندهی نظامی یکی از ویژگیهای اساسی موحدون به شمار می‌آید که پیروزی آنها و حفظ دولت را برای مدت طولانی تسهیل کرد. منصور با هوشمندی خاصی که داشت از تاکتیک‌های نظامی و روش‌های راهبردی با سیاست و تدبیر به تقابل دشمنان و مشکلات می‌رفت. برنامه‌ریزی و آمادگی نظامی، زمینه‌سازی برای حضور ارتش در مناطق، بسیج نیروها و انتخاب افراد شایسته و مطرح کردن گفتمان جهاد در تقابل با مسیحیان از جمله تدابیر مهم وی به حساب می‌آید. از جمله تاکتیک‌ها و سیاست‌های راهبردی در نبردها می‌توان به ایجاد محاصره، فریب و تحقیر دشمنان و روش‌های دیگر اشاره کرد.

منابع

- ابن ابی دینار، ابوعبدالله محمد (۱۲۸۶). المونس فی اخبار افریقیه و تونس، تونس: مطبعه الدوله التونسیه.
- ابن ابی زرع فاسی، ابوالحسن علی بن عبدالله (۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹ م). الانیس المطرب بروض القرطاس فی اخبار ملوک المغرب و تاریخ مدینه فاس، به کوشش عبدالوهاب بن منصور، رباط: المطبعه المملکیه.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد (۱۴۱۷ق). الکامل فی التاریخ، تحقیق: عمر عبدالسلام التدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن خطیب، ابوعبدالله لسان الدین محمد (۱۹۵۶)، اعمال الاعلام فیمن بویع قبل الاحتلام من ملوک الاسلام، بیروت: دارالکتب.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق). العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشان الاکبر، تحقیق: خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر.
- ابن سعید، علی بن موسی (۲۰۱۵). المغرب فی حلی المغرب، تحقیق: شوقی ضیف، مصر: دارالمعارف.
- ابن صاحب الصلاة، ابو مروان عبد الملك (۱۹۶۴م). المن بالامامة علی المستضعفین بأن جعلهم الله أئمة و جعلهم الوارثین. تحقیق، عبد الهادی التازی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- ابن عذاری مراکشی، ابوعبدالله محمد (۱۹۶۰م). البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، (القسم الموحدی) ج ۳، تحقیق هویدی میراندا به همراهی محمد بن تاویت و محمد ابراهیم کتانی، تطوان: سلسله معهد مولای الحسن.
- ابن قطان مراکشی، علی بن محمد (۱۹۹۰م). نظم الجمان لترتیب ماسلف من اخبار الزمان، تحقیق، محمود علی مکی، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- أبو رمیله، هشام (۱۹۸۴م / ۵۱۴۰۴هـ). علاقات الموحدين بالممالك النصرانية والدول الإسلامية في الأندلس، اردن: دار الفرقان للنشر والتوزيع.
- ابوخیل، محمد بن ابراهیم بن صالح (۱۹۱۴). جهود علماء اندلس فی الصراع مع النصارى خلال عصری المرابطين و

- الموحدين (٤٨٣-٤٤٠هـ). سعوديه: دار اصداء المجتمع.
- ابوالفدا، اسماعيل بن على (١٨٤٠) تقويم البلدان، به كوشش رنو و دوسلان، باريس.
 - الاستبصار في عجائب الامصار (١٩٨٥م). تحقيق سعد زغلول عبد الحميد، مغرب: الدار البيضاء.
 - أشباخ، يوسف (١٤١٧هـ/١٩٩٦م). تاريخ الأندلس في عهد المرابطين والموحدين، ج١، قاهره: مكتبة الخانجي.
 - أشر، صالح (بي تا). معركة الأرك ٥٩١هـ/١١٩٥م، بيروت: دار الشرق العربي.
 - بروفنسال، لويي (١٩٤١). مجموعه رسائل موحديه من انشاء كتاب الدوله المومنيه، رباط الفتح: مطبوعات معهد العلوم العليا المغربيه.
 - برومند اعلم، عباس (١٤٠٠). تاريخ مغرب اسلامي، تهران: سمت.
 - بيدق، ابي بكر صنهاجي (١٩٨٠م). اخبار المهدي بن تومرت و بدايه دوله الموحدين، تحقيق: لويي برونسال، باريس.
 - حسن، حسن على (١٩٨٠). الحضاره الاسلاميه في المغرب و الاندلس عصر المرابطين و الموحدين، مصر: مكتبة الخانجي.
 - الحلل الموشية في ذكر الأخبار المراكشيه (١٩٧٩م). تحقيق سهيل زكار، مغرب: الدار البيضاء.
 - حميري، ابوعبدالله محمد (١٩٨٠). روض المعطار في خبر الاقطار، تحقيق، احسان عباس، بيروت: موسسه ناصر للثقافه.
 - زركشي، ابي عبدالله محمد بن ابراهيم (١٣٨٦). تاريخ الدولتين الموحديه و الحفصيه، تحقيق: محمد ماضور، تونس: المكتبه العتيقه.
 - سرجاني، راغب (١٤٣٢هـ/٢٠١١م)، قصة الأندلس من الفتح إلى السقوط، ج١، قاهره: مؤسسة إقرأ للنشر والتوزيع والترجمة.
 - صحراوي، عبدالقادر (١٩٦١). جولات في تاريخ المغرب، مغرب: دارالكتاب، داربيضاء.
 - صلابي، علي محمد [بي تا]. دوله الموحدين، عمان: دارالبيارق.
 - عمر موسى، عزالدين (١٣٨١). دولت موحدون در غرب جهان اسلام، تشكيلات و سازمانها، مترجم: صادق خورشاه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - عنان، محمد عبدالله (١٣٦٩). تاريخ دولت اسلامي در اندلس، ترجمه: عبدالمحمد آيتي، ج ٢ و ٣ تهران: انتشارات كيهان.
 - عيني، بدرالدين (١٤٣١). عقد الجمان في تاريخ اهل الزمان، تحقيق: محمود رزق محمود، قاهره: دار الكتب و الوثائق القوميه.
 - مراكشي، عبدالواحد (١٣٩٠). المعجب في تلخيص اخبار المغرب، ترجمه: محمد رضا شهيدى پاك، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - مقرى، شهاب الدين احمد (١٤١٧ق). نفع الطيب في غصن الاندلس الرطيب و ذكر وزيرها لسان الدين بن الخطيب، تحقيق: احسان عباس، بيروت: دار صار.
 - مقرى تلمساني، أحمد بن محمد (١٩٦٨). نفع الطيب من غصن الأندلس الرطيب، تحقيق، إحسان عباس و محمد محيي الدين عبد الحميد، ج١، بيروت: دار صادر.
 - مونس، حسين (١٣٨٤). تاريخ و تمدن مغرب، ترجمه: حميدرضا شيعي، ج ٢، تهران: سمت.
 - مونس، حسين (٢٠٠٤). معالم تاريخ المغرب و الاندلس، [بي جا]: مكتبه الاسره.
 - ناصري السلاوي، شهاب الدين احمد بن خالد (١٩٥٤م). الاستقصاء لاخبار دول المغرب الاقصى، به كوشش جعفر الناصري، جلد دوم، مغرب: دارالكتاب، داربيضاء.

- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۸۸). مقدمه ای بر تاریخ مغرب اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نجار، لیلی أحمد (۱۹۸۹/۱۴۰۹م). المغرب والأندلس في عهد المنصور الموحدی دراسة تاريخية وحضارية ۵۸۰-۵۸۵هـ/۱۱۸۴-۱۱۹۸م، بحث مقدم لنیل درجة الدكتوراه في التاريخ الإسلامي، إشراف الدكتور أحمد السيد دملاج، ق، جامعة أم القرى، مكة المكرمة.
- ياقوت حموی، معجم البلدان، بيروت: دار صادر، ۱۹۵۷م.
- Fromherz, Allen J (2010). *The Almohads The Rise of an Islamic Empire*, London: I.B. Tauris.
- Huici Miranda, A. (1956). *Historia política del Imperio Almohade*, Marroquí.
- Kennedy, H. (1996). *Muslim Spain and Portugal: a political history of al-Andalus*, London;
- Levi-Provencal, E. (ed.) (1928). *Documents inedits d'histoire almohade*, Paris. (Includes the Kitab al Ansab, letters by Ibn Tumart and Abd al Mumin and Ibn Tumart's biography by al-Baydhaq). New York, 1996).
- Terrasse, Henri (1952). *History of Morocco*, Published by Editions Atlantides.



